نشریه علمی روانشناسی فرهنگی
(Cultural Psychology)

روان‌شناسی فرهنگی

دوفصلنامهٔ علمی، پژوهشکدهٔ تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی (سمت)
دورهٔ ۹، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
شاپا چاپی: ۷۲۱۱-۲۵۸۸
شاپا الکترونیکی: ۶۳۸۸ - ۲۶۷۶

بررسی روایی و پایایی مقیاس سنجش بخشش زناشویی؛ بومی سازی بر فرهنگ ایرانی ـ اسلامی

میلاد شماخته ✉

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. **نویسنده مسئول:** shamakhte1997@gmail.com

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها:
دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸
پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۷

واژگان کلیدی:
بخشش زناشویی
بومی‌سازی، روایی
مقیاس سنجش
فرهنگ ایرانی -اسلامی

چکیده

بخشش زناشویی به عنوان یکی از فرآیندهای مهم روان‌شناختی در مدیریت تعارضات و ترمیم آسیب‌های عاطفی در ازدواج مطرح است. پژوهش حاضر با هدف توسعه و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سنجش بخشش زناشویی متناسب با فرهنگ ایران-اسلامی و بر اساس مدل اجتماعی-روان‌شناختی مک‌کالو و همکاران (۱۹۹۸) انجام شد. مطالعه با رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) و در پنج مرحله شامل مرور ادبیات، مطالعه کیفی، تولید آیتم‌ها، اعتبارسنجی محتوا و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی اجرا گردید. در مرحله کیفی، ۱۳ فرد متأهل به روش هدفمند انتخاب و از آن‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گرفته‌شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل تماتیک در نرم‌افزار MAXQDA ۲۰ تحلیل گردید. جامعه آماری بخش کمی شامل تمامی افراد متأهل ساکن تهران در سال ۱۴۰۴ بود. نمونه‌گیری به روش ترکیبی گلوله‌برفی و در دسترس انجام شد. گروه مطالعه اول برای تحلیل عامل اکتشافی شامل ۳۵۱ نفر (۲۲۷ زن، ۱۲۴ مرد) و گروه مطالعه دوم برای تحلیل عامل تأییدی، اعتبار همگرا، اعتبار مبتنی بر معیار و پایایی شامل ۴۴۳ نفر (۳۴۱ زن، ۱۰۲ مرد) بود. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس محقق‌ساخته بخشش زناشویی، مقیاس بخشش مرتبط با تخلف زناشویی (MOFS)، مقیاس نشخوار ذهنی و فرم اطلاعات جمعیتی بود. اعتبار محتوایی با نظر پنج کارشناس و با استفاده از شاخص‌های CVI و CVR بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که تحلیل تماتیک مصاحبه‌ها منجر به شناسایی چهار مضمون اصلی «اجتناب، تمایل به انتقام، بخشش مشروط و بخشش بی‌قید و شرط» شد. تحلیل عامل اکتشافی ساختار چهارعاملی را با بارگذاری گویه‌ها از ۰/۴۵ تا ۰/۹۴ و واریانس تبیین‌شده تجمعی ۶۱/۸۱ درصد تأیید کرد. تحلیل عامل تأییدی نیز برازش مدل چهارعاملی را با شاخص‌های GFI=۰,۹۱، CFI=۰,۸۹، RMSEA=۰,۰۷ و SRMR=۰,۰۶ تأیید شد. ضرایب آلفای کرونباخ برای ابعاد اجتناب (۰/۹۳)، تمایل به انتقام (۰/۸۶)، بخشش مشروط (۰/۸۷) و بخشش بی‌قید و شرط (۰/۸۸) نشان‌دهنده پایایی مطلوب مقیاس بود. اعتبار همگرا با همبستگی معنادار ابعاد مقیاس با مقیاس MOFS (از ۰/۴۲- تا ۰/۵۸) و اعتبار مبتنی بر معیار با همبستگی قوی‌تر نشخوار ذهنی با اجتناب و انتقام (به ترتیب ۰/۵۱ و ۰/۴۷) نسبت به ابعاد بخشش (۰/۲۵- تا ۰/۳۵-) تأیید گردید.

استناد: شماخته، میلاد (۱۴۰۴). بررسی روایی و پایایی مقیاس سنجش بخشش زناشویی؛ بومی سازی بر فرهنگ ایرانی ـ اسلامی، *روان‌شناسی فرهنگی*، ۹(۲). ۱۴۱-۱۵۸.

https://doi.org/10.30487/jcp.2026.560910.1870

۱۴۰۴/۲۰۲۶ نویسنده(گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز CC BY 4.0 منتشر شده است. استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است. منتشرشده توسط نشریه روان‌شناسی فرهنگی (سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت)).

Cultural Psychology

Vol. 9, Issue 2
Fall 2025 - Winter 2026
Print ISSN: 2676-6388
Online ISSN: 2676-6388

نشریه علمی روانشناسی فرهنگی
(Cultural Psychology)

Investigating the validity and reliability of the marital forgiveness measurement scale; localization to Iranian-Islamic culture

Milad Shamakhte ✉

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.
Corresponding Author: shamakhte1997@gmail.com

Article Info

History
Received: October 20, 2025
Accepted: February 26, 2026

Keywords
Marital forgiveness
Iranian-Islamic culture
McCullough theory
factor analysis

Abstract

Marital forgiveness is considered an important psychological process in managing conflicts and repairing emotional damage in marriage. The aim of this study was to develop and evaluate a native marital forgiveness scale based on the social and psychological model of McCullough et al. (1998). The study consisted of two stages: the first stage with 351 participants for exploratory factor analysis (EFA) and the second stage with 443 participants for confirmatory factor analysis (CFA), convergent and criterion-based validity, and reliability analysis. The scale development process included a literature review, a qualitative study with interviews of Iranian participants from different cultures, item generation, content-based validity, and scale administration. EFA analysis identified four main factors including “avoidance”, “tendency for revenge”, “conditional forgiveness”, and “unconditional forgiveness”, which explained a total of 61.79% of the variance. (CFA) confirmed the four-factor structure and the second-order model and showed that the scale has good fit, convergent validity, criterion-based validity, and high reliability (α=0.93). The results showed that marital forgiveness is associated with a decrease in avoidance and desire for revenge and an increase in positive relationship behaviors, and the presented scale is considered an appropriate tool for measuring the willingness to forgive one's spouse's transgressions in Iranian-Islamic culture.

Citation: Shamakhte, M. (2026). Investigating the validity and reliability of the marital forgiveness measurement scale; localization to Iranian-Islamic culture. *Cultural Psychology, 9*(2), 141-158.
https://doi.org/10.30487/jcp.2026.560910.1870

2026 The Author(s). This is an Open Access article distributed under CC BY 4.0**.** Reuse and distribution are permitted with proper citation. Published by Cultural Psychology (Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT)).

مقدمه

افراد در زندگی زناشویی خود با تعارضات زیادی مواجه می‌شوند. این تعارضات ممکن است ناشی از رخدادهای روزمره یا رویدادهای مخربی، مانند خیانت باشد. اگر زوجین نتوانند به شیوه‌ای مؤثر با این تعارضات برخورد کنند، ابعاد مهمی از روابط زناشویی مانند صمیمیت و رضایت زناشویی، به دلیل آسیب‌های عاطفی دچار اختلال خواهد شد (فینچم و همکاران، ۲۰۰۴؛ گوردون و همکاران، ۲۰۰۹). زوجینی که به شیوه‌ای مؤثر با تعارضات روبه‌رو می‌شوند، توانایی درک بهتری از یکدیگر دارند و یاد می‌گیرند به باورها و خواسته‌های همدیگر احترام بگذارند (لگت و همکاران، ۲۰۱۲). بر اساس مطالعات، تکنیک‌های حل تعارض و مهارت‌های ارتباطی به تنهایی، به ویژه در مواجهه با مشکلات جدی مانند خیانت، کمتر از آنچه انتظار می‌رود مؤثر هستند (گاتمن،۲۰۱۱). بنابراین، بخشش به‌عنوان یک راهبرد مؤثر برای مدیریت مشکلات زناشویی مطرح می‌شود (گوردون و بوکام، ۲۰۰۳). مؤثرترین شیوه‌های درمان زوجین، از جمله زوج‌درمانی گاتمن و درمان متمرکز بر هیجان (EFT)، معمولاً از مداخلات مرتبط با بخشش بهره می‌برند، به‌ویژه زمانی که هدف، ترمیم آسیب‌های عاطفی شدید است (گاتمن، ۲۰۱۱؛ ولدارسکی و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعات نشان داده‌اند که بخشش با رضایت زناشویی، تعهد، کیفیت و ثبات رابطه همبستگی مثبت دارد (فینچم و بیچ، ۲۰۰۲؛ گوردون و همکاران، ۲۰۰۹؛ نوواک و همکاران، ۲۰۱۷).

مطالعات در ایران، به جایگاه بخشش در روابط زناشویی، توجه دارند(شماخته، صادقی سرشت، مصلحی، ۱۴۰۵) کیفیت رابطه و سطح رضایت زناشویی به‌عنوان عواملی مهم که بر فرآیند بخشش زناشویی تأثیر می‌گذارند، شناسایی شده‌اند (چلیک و همکاران، ۲۰۲۲). بر اساس یافته‌ها، افرادی که از سطح رضایت زناشویی بالاتری برخوردار بوده‌اند، تمایل بیشتری به بخشش سریع‌تر همسر خود نشان داده‌اند (آتسکن، ۲۰۱۴؛ چلیک و همکاران، ۲۰۲۲؛ شاهان، ۲۰۲۱). علاوه بر این، همبستگی مثبتی بین سازگاری زناشویی و بخشش مشاهده شد (یامان-آکپینار و آلتونسو-سونمز، ۲۰۲۱).

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد بخشش با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد. برای تبیین چگونگی وقوع بخشش، مدل‌های نظری متعددی ارائه شده‌است. انرایت و همکاران (۱۹۹۶) مدلی چهارمرحله‌ای ارائه دادند که طی آن افراد ابتدا نسبت به واکنش‌های عاطفی خود آگاه می‌شوند، سپس راهبردهایی برای مدیریت احساسات منفی جستجو می‌کنند، پس از انتخاب بخشش به عنوان مکانیزم مقابله‌ای، بازنگری بر آسیب تجربه‌شده و همدلی با خاطی انجام می‌دهند و در نهایت درمی‌یابند که همه انسان‌ها ممکن است اشتباه کنند (باسکین و انرایت، ۲۰۰۴). وورثینگتون و همکاران (۲۰۰۵) نیز بخشش را دارای دو مرحله تصمیم‌گیری و درگیری عاطفی دانسته و مدل پنج مرحله‌ای ریچ (یادآوری، همدلی، نوع‌دوستی، تعهد و حفظ) را توسعه دادند. در این مدل، افراد با یادآوری رویداد آسیب‌زا، همدلی با خاطی و مرور تجربیات خود از بخشیده شدن، احساسات مثبت را تقویت کرده و در نهایت با ابراز هیجانات، عمل بخشش را انجام می‌دهند.

مک‌کالو و همکاران (۱۹۹۸) مدل اجتماعی -روان‌شناختی بخشش را مطرح کردند که بر سیستم‌های انگیزشی تأکید دارد. بر اساس این مدل، رویدادهای آسیب‌زا می‌توانند ترس و اضطراب ایجاد کرده و منجر به اجتناب از شریک زندگی شوند که ممکن است به خشم و تمایل به انتقام تبدیل شود (گاتمن، ۱۹۹۳). احتمال بخشش زمانی کاهش می‌یابد که اجتناب و تمایل به انتقام وجود داشته‌باشد. در مقابل، عواملی مانند همدلی، دلسوزی، رفتارهای اجتنابی و انتقام‌جویانه را کاهش داده و رفتار مثبت نسبت به خاطی را افزایش می‌دهند (مک‌کالو، ۲۰۰۰). مک‌کالو همچنین نشان داد افراد برای حفظ رابطه، بیشتر مایل به بخشش شریک زندگی خود هستند، اما این تمایل به رضایت از رابطه، تعهد زناشویی و صمیمیت با خاطی وابسته است (پالریو و همکاران، ۲۰۰۵؛ نواک و همکاران، ۲۰۱۷؛ دونوان و پریستر، ۲۰۲۰). اگرچه مدل‌های مذکور به جنبه‌های متفاوتی از بخشش می‌پردازند، اما در یک ویژگی مشترکند: تأکید بر ابعاد مثبت و منفی بخشش. در تمامی این مدل‌ها، بخشش با کاهش رفتارهای اجتنابی و تمایل به انتقام و افزایش همدلی و مهربانی توصیف شده‌است (انرایت و همکاران، ۱۹۹۸؛ وورثینگتون و همکاران، ۲۰۰۵؛ مک‌کالو، ۲۰۰۰).

چندین مقیاس در حوزه سنجش، برای اندازه‌گیری بخشش وجود دارد که شامل بخشش خاص تخلف، بخشش ذاتی و بخشش دوگانه است (مک‌کالو و ورثینگتون، ۱۹۹۹). مقیاس‌هایی که ویژه سنجش بخشش در ازدواج طراحی شده‌اند عبارتند از: مقیاس بخشش خاص تخلف زناشویی (پالریو و همکاران، ۲۰۰۹)، فهرست بخشش (گوردون و بوکام، ۲۰۰۳)، مقیاس بخشش زناشویی (فینچام و همکاران، ۲۰۰۴) و مقیاس گرایش زناشویی (فینچام و همکاران، ۲۰۰۲). در ایران نیز نسخه‌های ترجمه‌شده‌ای از این ابزارها به کار رفته‌است؛ از جمله مقیاس گرایش زناشویی (بوگای، ۲۰۱۴)، مقیاس خاص تخلف زناشویی (ارکان، ۲۰۱۵)، فهرست بخشش (اوزگون، ۲۰۱۰) و مقیاس رویداد بخشش زناشویی(دورموس و ماناپ، ۲۰۱۸).

مطالعات میان‌فرهنگی نشان داده‌اندکه نحوه مقابله با رویدادهای آسیب‌زا و تصمیم به بخشش در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است(هوک و همکاران، ۲۰۰۹؛ سندج و ویلیامسون، ۲۰۰۵). در فرهنگ‌های فردگرا، انگیزه بخشش اغلب ناشی از تمایل به آرامش درونی و رفاه شخصی است، در حالی که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، بخشش بیشتر تحت تأثیر حفظ هماهنگی اجتماعی قراردارد(هو و ورثینگتون، ۲۰۲۰؛ جو و همکاران، ۲۰۱۹). در این میان، فرهنگ ایران به دلیل دارا بودن ویژگی‌های ترکیبی(کارارماک، ۲۰۰۸؛کارمانس و همکاران، ۲۰۱۱) ایرانیان، شرایطی مانند شدت تخلف، عذرخواهی و پشیمانی را در تصمیم به بخشش، مدنظر قرار می‌دهند و کمتر به بخشش بی‌قید و شرط تمایل دارند (بوگای و مولت، ۲۰۱۳).

اگرچه چندین مقیاس بخشش زناشویی غربی(مانند MOFS و TRIM) به فارسی ترجمه و در ایران استفاده شده‌اند، اما این ابزارها بدون بازنگری در مؤلفه‌های فرهنگی- بومی، مفهوم بخشش را به شکل تقلیل‌یافته‌ای صرفاً بر اساس مؤلفه‌های اجتناب، انتقام و خیرخواهی، تعریف می‌کنند و از عواملی مانند شفاعت بزرگان خانواده، نقش باورهای دینی در عفو و تفاوت بخشش مشروط در مقابل بخشش بی‌قید و شرط که در مصاحبه‌های کیفی با زوجین ایرانی برجسته شده‌است، غفلت کرده‌اند. همچنین مطالعات میان‌فرهنگی نشان داده‌اند که در فرهنگ‌های جمع‌گرا مانند ایران، بخشش بیشتر تابعی از حفظ هماهنگی اجتماعی و فشار هنجارهای خانواده گسترده است تا رضایت درونی فرد (هو و ورثینگتون، ۲۰۲۰)، در حالی که مدل‌های غربی بخشش (نظیر مدل مک‌کالو) عمدتاً بر انگیزه‌های فردگرایانه مانند کاهش ناهماهنگی شناختی و افزایش بهزیستی شخصی تأکید دارند. بنابراین، به کارگیری مستقیم این مدل‌ها بدون بومی‌سازی، موجب خطای سازه در سنجش بخشش زناشویی ایرانی خواهد شد. با وجود تأکید صریح آموزه‌های اسلامی بر مفاهیمی چون «عفو»، «صفح»، «بخشش مشروط به اصلاح» و «اجر اخروی بخشش»، هیچ‌یک از مقیاس‌های ترجمه‌شده به فارسی، شامل گویه‌ای متناظر با این مفاهیم نمی‌شوند. این شکاف محتوایی باعث می‌شود که پژوهش‌های داخلی نتوانند سهم باورهای دینی را در پدیده بخشش زناشویی در ایران به‌درستی بسنجند.

هدف این مطالعه توسعه مقیاسی برای اندازه‌گیری تمایل افراد به بخشش تخلفات همسر است که به روش کیفی و با رویکرد تحلیلی و استفاده از آیات قرآن و نظرسنجی از متخصصان روان‌شناسی و علوم قرآنی، مدل بخشودگی زناشویی در پنج مؤلفه شناسایی شدکه عبارتند از: (۱)عوامل زمینه‌ساز (نظام معنایی مبتنی بر توکل و خودانتقادی)،(۲) عوامل آشکارساز (بازشناسی انسانیت خطاکار و انگیزش معنوی)،(۳) عوامل ساختاری (بازسازی شناختی، انتخاب آگاهانه بخشودگی، تنظیم هیجان)، (۴) موانع شناختی- هیجانی (برداشت خصمانه پایدار، خشم حل‌نشده) و(۵)پیامدهای فردی-تعاملی (ترمیم رابطه، توقف چرخه انتقام، ترمیم اعتماد) (شماخته، صادقی سرشت و مصلحی، ۱۴۰۵). براساس این مدل، در ازدواج ایرانی، بخشش متأثر از باورهای دینی، بازسازی شناختی و ظرفیت روانی فرد است. از این مؤلفه‌ها برای تدوین گویه‌های مقیاس بومی استفاده گردید(همان)؛ در این مطالعه، افراد برای تصمیم برای بخشش، بر اهمیت عذرخواهی، ابراز پشیمانی و تلاش برای اصلاح، تأکید دارند و بیان کردند که شدت و تکرار تخلف، بخشش را دشوار می‌کند (شماخته و حیدری خورمیزی، ۱۴۰۵). همچنین، مطالعات پیشین در ایران نشان داده‌اند که رضایت زناشویی و سازگاری رابطه، با بخشش ارتباط معنی‌دار دارند و از مدل اجتماعی و روان‌شناختی بخشش حمایت می‌کنند (چلیک و

همکاران، ۲۰۲۲؛ شاهان، ۲۰۲۱؛ تایسی، ۲۰۱۰). اگرچه مدل مک‌کالو و همکاران (۱۹۹۸) از پایه‌های نظری محکمی در مطالعات بخشش برخوردار است، اما به دلیل تفاوت‌های فرهنگی در مفهوم تخلف، نقش خانواده و باورهای اسلامی درباره عفو و بخشش، این مدل به‌تنهایی برای جامعه ایرانی کافی نیست. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با تلفیق مدل مذکور با یافته‌های مطالعه کیفی بومی(شماخته، صادقی سرشت، مصلحی، ۱۴۰۵)، مقیاسی فرهنگ‌محور توسعه داده‌است که هم روایی بین‌فرهنگی(قابلیت مقایسه با مطالعات جهانی) و هم بومی‌بودن گویه‌ها را تضمین می‌کند. براین اساس،هدف پژوهش حاضر توسعه و بررسی اعتبار و پایایی مقیاس بخشش زناشویی بر اساس مدل مک‌کالو و همکاران (۱۹۹۸) بود.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را تمامی افراد متأهل ساکن در شهر تهران در سال ۱۴۰۴ تشکیل داده‌اند. روش پژوهش از نوع توسعه‌ای-روان‌سنجی است که با رویکرد ترکیبی (کیفی-کمّی) و بر اساس پنج مرحله کلیدی دِولیس (۲۰۱۲) و ژو (۲۰۱۹) شامل: ۱) مطالعه کیفی و مرور ادبیات، ۲) تولید آیتم‌ها، ۳) اعتبار محتوا، ۴) اجرای مقیاس و ۵) ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی انجام شد.

ملاک‌های ورود به مطالعه شامل: الف) تأهل و زندگی مشترک با همسر در زمان پژوهش ب) حداقل یک سال ازدواج دائم ج) تمایل به یادآوری یک تخلف زناشویی در سال گذشته د) داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن (برای تکمیل پرسشنامه‌ها) بود. ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از: الف) عدم تمایل به ادامه همکاری در هر مرحله از پژوه ب) تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها (بیش از ۲۰٪ سؤالات پاسخ داده نشده، ج) داشتن شرایط روان‌شناختی حاد، نظیر روان‌پریشی فعال یا افکار خودکشی (بر اساس خودگزارشی).

فرایند نمونه‌گیری به صورت ترکیبی از روش گلوله‌برفی و نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. بدین صورت که پژوهشگر با مراجعه به مراکز فرهنگی و مشاوره‌های سطح شهر تهران، چندین زوج داوطلب را شناسایی کرد و از آنها خواسته شد تا سایر افراد متأهل واجد شرایط را به پژوهش معرفی کنند. دعوت به مشارکت از طریق فراخوان اینترنتی در شبکه‌های اجتماعی (ایتا و تلگرام) و همچنین نصب پوستر در سراهای محله و کلینیک‌های مشاوره انجام گرفت.

پژوهش در دو مطالعه مجزا اجرا گردید:

مطالعه اول (برای تحلیل عامل اکتشافی): شامل ۳۵۱ فرد متأهل (۱۲۴ مرد، ۲۲۷ زن) با دامنه سنی ۲۱ تا ۷۰ سال (میانگین = ۳۷، انحراف معیار = ۹/۴۲) و میانگین مدت ازدواج ۱۰/۷۳ سال (انحراف معیار = ۹/۵۱) بود.

مطالعه دوم (برای تحلیل عامل تأییدی، اعتبار همگرا و پایایی): شامل ۴۴۳ فرد متأهل (۱۰۲ مرد، ۳۴۱ زن) با دامنه سنی ۲۱ تا ۶۶ سال (میانگین = ۳۶/۸۷، انحراف معیار = ۸/۵۸) و میانگین مدت ازدواج ۹/۶۹ سال (انحراف معیار = ۸/۰۱) بود.

در مرحله کیفی پژوهش، ۱۳ فرد متأهل از طریق فراخوان آنلاین و به روش نمونه‌گیری هدفمند (با حداکثر تنوع از نظر جنس، سن، تحصیلات و مدت ازدواج) انتخاب شدند و مورد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. تحلیل مصاحبه‌ها با روش تحلیل تماتیک و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA ۲۰ انجام شد که منجر به شناسایی چهار تم اصلی «اجتناب، تمایل به انتقام، بخشش مشروط و بخشش بی‌قید و شرط» گردید.

جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

جمع‌آوری داده‌ها در مطالعه حاضر، از طریق یک پلتفرم آنلاین[1] انجام شد و شرکت‌کنندگان از طریق شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های شخصی پژوهشگران جذب شدند. همچنین از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا لینک مطالعه را در

1. Google Forms

شبکه‌های اجتماعی خود با دیگر افراد متأهل به اشتراک بگذارند. پرسشنامه‌ها با استفاده از Google Forms تکمیل شد. به اطلاع شرکت‌کنندگان رسید که هدف مطالعه، بررسی نگرش افراد متأهل نسبت به بخشش در ازدواج است و پس از کسب رضایت آگاهانه، به تکمیل اطلاعات جمعیتی و پرسشنامه‌ها پرداختند. زمان تقریبی تکمیل پرسشنامه‌ها برای مطالعه اول حدود پنج دقیقه و برای مطالعه دوم حدود ده دقیقه بود.

داده‌ها، برای هر دو گروه، ابتدا از نظر تطابق با فرضیات نرمال بودن و وجود داده‌های پرت،بررسی شد. سنجیدن نرمال بودن تک‌متغیره آیتم‌ها، از طریق شاخص‌های کج‌شدگی و کشیدگی[1] انجامید. داده‌های پرت تک‌متغیره از طریق محاسبه امتیاز Z هر آیتم شناسایی شدند. نتایج نشان داد که مقادیر کج‌شدگی و کشیدگی برای هر دو گروه کمتر از ۲ بود و امتیازهای استانداردشده آیتم‌ها در محدوده ۳,۲۹± قرار داشت که نشان‌دهنده توزیع طبیعی داده‌ها است (کلاین، ۲۰۱۶). برای شناسایی داده‌های پرت چندمتغیره، فاصله ماهالانوبیس محاسبه شد و مقادیر با احتمال کمتر از ۰,۰۰۱ به عنوان داده‌های پرت چندمتغیره در نظر گرفته شدند (تابانیک و فیدل، ۲۰۱۳). بر این اساس، ۱۰ شرکت‌کننده از گروه مطالعه اول و ۱۴ نفر از گروه مطالعه دوم از تحلیل‌ها حذف شدند.

تحلیل داده‌ها با استفاده از بسته نرم‌افزاری SPSS نسخه ۲۷ انجام شد. تحلیل‌های انجام‌شده شامل تحلیل عامل اکتشافی، ارزیابی اعتبار همگرا و مبتنی بر معیار و بررسی قابلیت اطمینان با استفاده از آلفای کرونباخ بود. علاوه بر این، تحلیل همبستگی برای ارزیابی اعتبار همگرا و مبتنی بر معیار به‌کار گرفته شد و تحلیل عامل تأییدی با استفاده از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۵ انجام شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در چند مرحله به دست آمده‌است

تحلیل عاملی توضیحی (EFA)

فاکتورگیری محور اصلی، با چرخش اوبلیمین مستقیم برای EFA انجام شد. معیار کایزر-مایر-اولکین کفایت نمونه برداری برای تحلیل را با مقدار KMO =.۹۴ تأیید کرد. آزمون بارلت برای کروی بودن (χ۲(۷۰۳) = ۹۱۰۰,۰۶، ص<.۰۰۰۱) نشان داد که همبستگی بین اقلام به اندازه کافی معنادار است. مطابق با توصیه‌های ارائه شده توسط تاباکنیک و فیدل (۲۰۱۳) و وورثینگتون و ویتاکر (۲۰۰۶)، اقلامی با بارگذاری ضریب کمتر از ۰.۴۰ یا اقلامی با اختلاف بارگذاری متقاطع با بالاترین ضریب بارگذاری کمتر از ۰,۱۲ برای نگهداری نامناسب تشخیص داده‌شدند بنابراین حذف گردیدند. در این میان، چهار عامل استخراج شد. عامل اولیه ۳۷,۴۳٪ از کل واریانس را تشکیل می‌داد. عامل دوم شامل ۴۹.۱۴٪ از واریانس بود در حالی که عامل سوم ۵۷.۴٪ واریانس را به خود اختصاص داد. عامل چهارم شامل ۳,۳۱٪ از کل واریانس بود. هر چهار عامل در مجموع ۷۹.۶۱٪ از واریانس را توضیح دادند. اگرچه واریانس توضیح داده‌شده بین عامل سوم و چهارم کمتر بود، اما حفظ عوامل ضروری نبود. اگر یک عامل حداقل سه مورد و حداقل دو مورد با بارگذاری ضریب بالاتر داشته‌باشد، می‌توان آن را حفظ کرد (تاباچنیکاک و فیدل، ۲۰۱۳؛ ورثینگتون و ویتاکر، ۲۰۰۶).

موضوعات مطالعه کیفی و زمینه اقلام برای نام‌گذاری عوامل استفاده شدند که به ترتیب شامل اجتناب، بخشش بی قید و شرط، تمایل به انتقام و بخشش مشروط بودند. جدول ۱ نتایج مقادیر آلفای EFA و کرونباخ برای هر عامل را نشان می‌دهد. مقادیر آلفای کرونباخ شامل:۹۳ برای اجتناب، ۰,۸۸ برای بخشش بی قید و شرط، ۸۶.۰ برای تمایل به انتقام و ۰,۸۷ برای بخشش مشروط.

1. kurtosis

جدول ۱ نتایج تحلیل EFA و قابلیت اطمینان

نه	موارد	بارگذاری عوامل			
		۱	۲	۳	۴
۵	من نسبت به همسرم سرد بودم.	.۹۱			
۹	از نظر جسمی از همسرم فاصله گرفتم.	.۸۷			
۸	نمی خواستم با همسرم صحبت کنم.	.۸۳			
۴	از نظر احساسی از همسرم فاصله گرفتم.	.۸۲			
۳۰	خودم را از همسرم جدا کردم.	.۷۳			
۶	من از همسرم به خاطر کاری که او انجام داده دلخورم.	.۷۲			
۱۶	از انجام هر چیز مشترکی با همسرم اجتناب می کردم.	.۷۱			
۱۲	برایم سخت بود که با همسرم گرم باشم.	.۶۹			
۱۱	طوری زندگی می کردم که انگار همسرم وجود ندارد، انگار که او کنارم نیست.	.۵۷			
۲۷	احساس می کردم همسرم غریبه است.	.۴۵			
۳۱	همه چیز را پشت سر گذاشتم چون او همسر من بود.		.۸۸		
۳۳	ترجیح دادم آنچه اتفاق افتاده را بپذیرم و ادامه دهم.		.۸۷		
۳۸	فکر می کردم طولانی کردن آنچه او بر من تحمیل کرد بی فایده است.		.۷۴		
۳۵	نسبت به همسرم احساس دلسوزی داشتم.		.۵۹		
۲۴	من تصمیم گرفتم همسرم را به خاطر ویژگی های مثبت او ببخشم.		.۵۵		
۱۳	من وضعیت را پذیرفتم، فکر می کردم همسرم مثل هر انسان دیگری نقص ها و نقص هایی دارد.		.۵۴		
۳۶	می خواستم همسرم را بابت آنچه او به من تحمیل کرده، مجازات کنم.			.۹۴	
۲۸	می خواستم ببینم همسرم رنج می کشد.			.۸۵	
۱۴	می خواستم اگر من ناراحت بودم، او ناراضی باشد.			.۶۵	
۲۳	همسرم به من آسیب زد، پس می خواستم به او آسیب بزنم.			.۴۷	
۳۷	همسرم را به خاطر تلاش برای جبران بخشیدم.				.۸۷
۲	همسرم را بابت اعتراف به اشتباهش بخشیدم.				.۸۰
۱۰	من همسرم را بخشیدم چون دیدم او/او از آنچه اتفاق افتاده بود پشیمان است.				.۷۷
	واریانس توضیح داده شده	**۳۷,۴۳**	**۱۶,۴۹**	**۴,۵۷**	**۳,۳۰**
	مقادیر ویژه	**۸,۹۹**	**۴,۱۶**	**۱,۳۹**	**۱,۱۱**
	کرونباخ آلفا	**.۹۳**	**.۸۸**	**.۸۶**	**.۸۷**

تحلیل عاملی تأییدی (CFA)

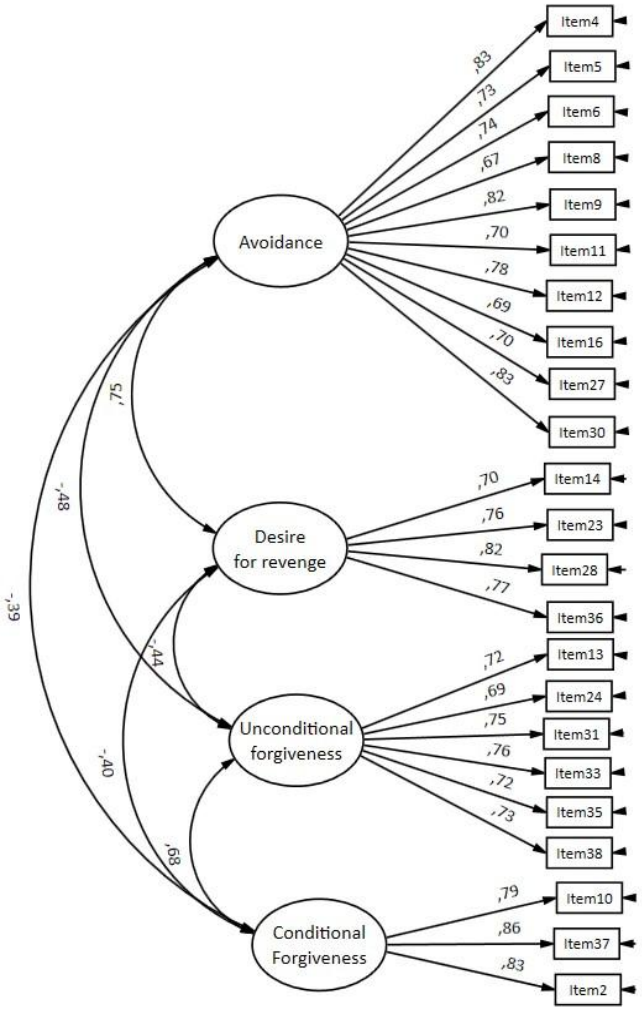
یک تحلیل عاملی تأییدی برای ارزیابی اعتبار ساختاری مقیاس انجام شد که شامل ۲۳ مورد استخراج شده از نتایج تحلیل عامل اکتشافی بود. (EFA). شاخص‌های برازش، از جمله آماره χ^2، نسبت کای مربع به درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه ای (CFI)، شاخص تاکر-لوئیس (TLI) و خطای تقریبی ریشه-میانگین مربعات (RMSEA)، برای ارزیابی مناسب بودن مدل به کار رفتند (Bentler & Hu, ۱۹۹۹؛ تاباچنیک و فیدل، ۲۰۱۳) معیارهای برازش قابل قبول به شرح زیر است: مقادیر CFI و TLI باید برابر یا بزرگ تر از ۰,۹۰ ؛ مقدار χ^2/df باید برابر یا کمتر از ۵ و مقادیر SRMR و RMSEA باید *برابر یا کمتر از ۰,۰۸ باشند (هو و بنتلر، ۱۹۹۹; کلاین، ۲۰۱۶).*

جدول ۲ مزایای شاخص‌های تناسب برای مدل‌های CFA

مدل	$\chi 2$	df/ $\chi 2$	Cfi	TLI	SRMR	RMSEA
مدل CFA یک عاملی	۱۹۷۶,۱۶	۸,۵۹	۶۹.	۶۶.	۱۱.	۱۳.
مدل CFA چهار عامل	۶۵۵,۹۷	۲,۹۵	۹۳.	۹۲.	۰۵.	۰۷.
مدل CFA مرتبه دوم	۷۹۳,۷۵	۳,۵۳	۹۱.	۹۰.	۰۸.	۰۸.

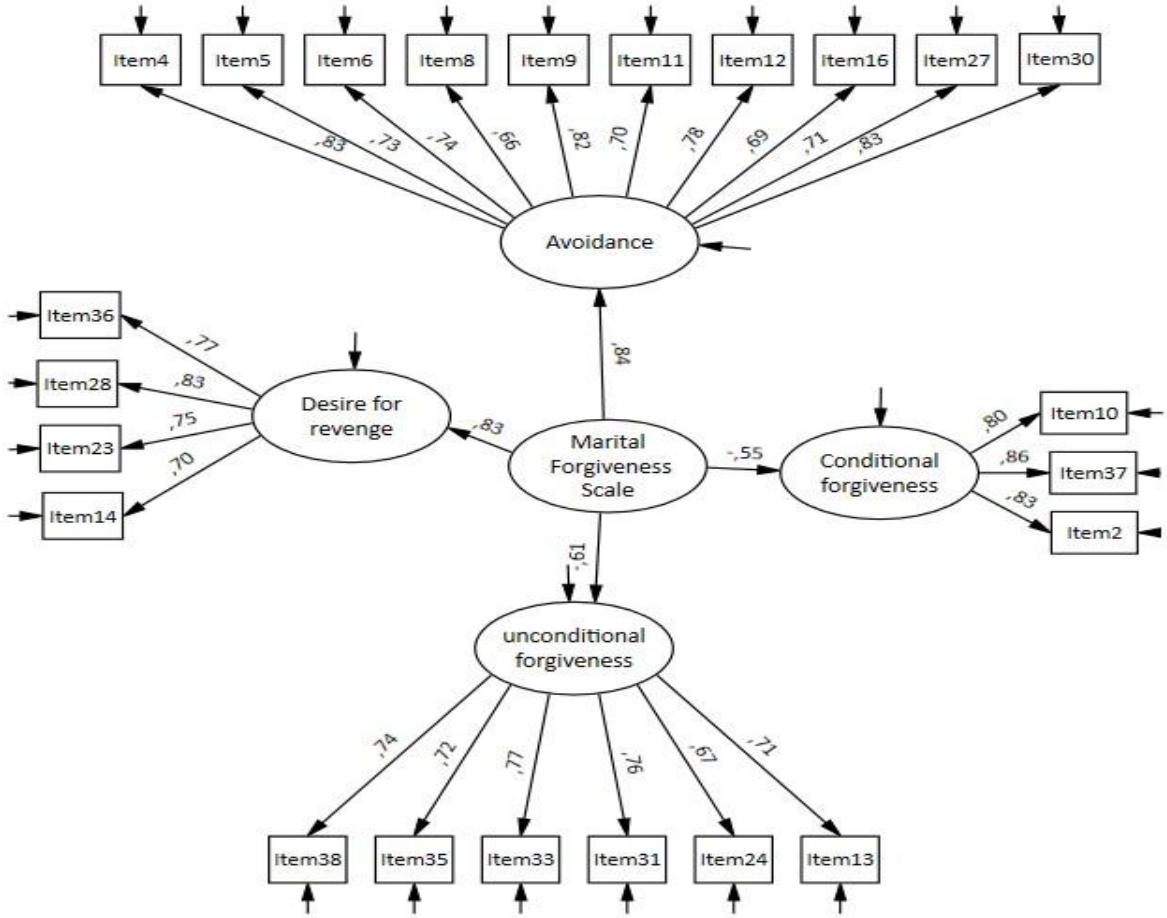
ص<.۰۰۱

همان طور که در جدول ۲ نشان داده‌شده، نتایج، همچنین نتایج مدل‌های CFAرا نشان می دهند. سه تحلیل CFA انجام شد. نتایج مدل تک عاملی، نشان‌دهنده برازش ضعیف بود، همان طور که شاخص‌های زیر نشان می‌دهند: $\chi 2$=۱۹۷۶,۱۶، $\chi 2$ /df = ۸,۵۹ p <.۰۰۱، CFI=.۶۹، TLI=.۶۶، SRMR=.۱۱، RMSEA=.۱۳. اما، مدل‌های چهارعاملی و مرتبه دوم برازش کافی با داده‌ها را نشان دادند. مدل چهار عاملی نتایج زیر را ارائه داد: $\chi 2$=۷۶۳,۳۴، $\chi 2$ /df = ۳,۴۱، p <.۰۰۱، CFI=.۹۱، TLI=.۹۰، SRMR=۰,۰۶، RMSEA= ۰,۰۷. مطابق با توصیه‌های مندرج در شاخص‌های اصلاح، همبستگی‌های زیر گنجانده شدند: همبستگی‌های بین جمله خطای مورد ۵ و ۸ و همچنین عبارات خطای موارد ۲۸ و ۳۶. CFA چهارعاملی اصلاح شده، می‌توان تطابق رضایت بخشی با داده‌ها را ارائه داد، همان طور که شاخص‌های برازش زیر نشان می دهند: $\chi 2$=۶۵۵,۹۷، $\chi 2$ /df = ۲,۹۵، p <.۰۰۱، CFI=.۹۳، TLI=. ۹۲، SRMR=۰۵، RMSEA= ۰,۰۷ (نگاه کنید به شکل ۱).



شکل ۱ مدل چهار عامل CFA

نتایج CFA مرتبه دوم نشان داد که با χ^2=۷۹۳٫۷۵، χ^2/ df = ۳٫۵۳، p <.۰۰۱، CFI=.۹۱، TLI=.۹۰، SRMR=.۰۸، RMSEA=۰٫۰۸، برازش قابل قبولی برای داده‌ها وجود دارد. همان طور که در شکل ۲ نشان داده شده، امتیاز کل را می‌توان با جمع کردن تمام امتیازهای زیربعدی پس از معکوس کردن کدگذاری اقلام مربوط به ابعاد اجتناب و تمایل به انتقام محاسبه کرد.



شکل ۲ مدل CFA مرتبه دوم

اعتبار تمایز آمیز

اعتبار تمایز مقیاس از طریق مقادیر بیشینه واریانس مشترک (MSV) و جذر واریانس متوسط استخراج شده (AVE) بر اساس نتایج CFA بررسی شد. جذر AVE باید بیشتر از همبستگی‌های بین عوامل باشد. علاوه بر این، مقدار AVE یک عامل باید بیشتر از مقدار MSV آن عامل باشد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱). نتایج در جدول ۳ ارائه شده‌است که نشان داد مقادیر AVE برای هر عامل بیشتر از MSV است و جذر AVE برای هر عامل بیشتر از تمام همبستگی‌های بین عوامل است. با توجه به این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که این مقیاس اعتبار تمیزی دارد.

جدول ۳ CR، AVE، ریشه دوم AVE (به صورت بولد) و همبستگی های بین عوامل

	Cr	خیابان	MSV	۱	۲	۳	۴
۱. اجتناب	۹۳.	۵۶.	۵۶.	۷۵.			
۲. میل به انتقام	۸۵.	۵۸.	۵۶.	۷۴.	۷۶.		
۳. بخشش مشروط	۸۷.	۶۹.	۴۶.	۳۹.–	۴۰.–	۷۱.	
۴. بخشش بی قید و شرط	۸۷.	۵۳.	۴۶.	۴۸.–	۴۴.–	۶۸.	۷۳.

$p < .001$

اعتبار همگرا

شدت، اهمیت و شیوه عملکرد (MOF) جرم، برای ارزیابی اعتبار همگرا مقیاس توسعه‌یافته به کار گرفته شد. در نتیجه، تحلیل ضریب همبستگی تکانه پیرسون انجام شد. نتایج نشان داد که زیرمقیاس های MOFS، شدت جرم و اهمیت جرم، همبستگی آماری معناداری با اجتناب، تمایل به انتقام، بخشش مشروط و بخشش بدون قید و شرط در سطح معناداری ۰,۰۰۱ نشان دادند. علاوه بر این، AVE و قابلیت کامپوزیت (CR) برای بررسی اعتبار همگرا نتایج به دست آمده از CFA محاسبه شد. معیار اعتبار همگرا این است که مقادیر AVE برای هر عامل بیش از ۰,۵۰ باشد و مقادیر CR هر عامل باید بیشتر از ۰,۷۰ باشد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱). نتایج نشان داد که مقادیر AVE و CR شواهدی از اعتبار همگرا ارائه می دهند.

جدول ۴ آمار توصیفی و همبستگی ها میان متغیرها

متغیر		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
		Sd	M						
۱. ضریب خطا		**۱,۰۱**	**٤,۱۳**						
2.	اهمیت هجومی	۴,۲۲	۰,۹۵	۷۱.*					
3.	نشخوار ذهنی	۴,۹۴ ۲۲,۴۵	۷,۴۵	۳۴.*	۳۰.*				
4.	کینه اجتنابی	۱۹,۹۴	۴,۴۸	۴۶.*	۴۰.*	۴۳.*			
5.	نیکوکاری	۱۴,۴۳	۱۰,۱۴	۲۵.–*	۲۲.–**	۱۶.–*	۴۲.–*		
6.	اجتناب	۳۰,۰۳		۵۴.*	۵۰.*	۳۷.*	۷۲.*	۴۶.–*	
7.	میل به انتقام	۱۰,۷۴	۴,۹۷	۳۴.*	۳۱.*	۳۴.*	۶۳.*	۴۲.–*	۶۶.*
۸. بخشش بی قید و شرط		۱۹,۷۸	۵,۶۲	۲۴.–*	۲۳.–*	۱۴.–*	۴۴.–*	۷۲.	۴۴.–*
۹. بخشش مشروط		۱۰,۴۵	۳,۳۰	۱۷.–*	۵۶.*	۲۵.–*	۳۵.–*	۴۷.*	۳۵.–*

*$p < .001$

اعتبار مرتبط با معیار

مقیاس نشخوار ذهنی برای ارزیابی اعتبار معیارمقیاس بخشش زناشویی توسعه یافته به کار گرفته شد. نتایج تحلیل های همبستگی در جدول ۴ آمده‌است. نتایج نشان می‌دهد که نشخوار ذهنی به طور معناداری با اجتناب (r=.۳۷، p<.۰۰۱)، تمایل به انتقام (r=.۳۴، p<.۰۰۱)، بخشش بدون قید و شرط (r=-.۱۴، p<.۰۰۱) و بخشش مشروط (r=-.۲۵، p<۰,۰۰۱) همبستگی دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد افرادی که اجتنابی شدید، تمایل به انتقام و سطوح پایین‌تری از بخشش مشروط و بدون قید و شرط را نشان می‌دهند، تمایل دارند بیشتر به نشخوار ذهنی بپردازند.

قابلیت اطمینان

سازگاری داخلی برای قابلیت اطمینان مقیاس با ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد. همان طور که کلاین (۲۰۱۶) اشاره می‌کند، مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰,۷۰ یا بالاتر نشان دهنده مقیاس بسیار قابل اعتماد است. نتایج نشان داد که مقادیر ضریب آلفای کرونباخ برای بعد اجتناب، ۰,۸۴؛ برای میل به انتقام، ۰,۸۷؛ برای بخشش بدون قید و شرط و ۰,۸۷ برای بعد بخشش شرطی بود. مقادیر همبستگی مجموع موارد از ۰,۶۷ تا ۰,۷۹ برای بعد اجتناب، از ۰,۶۴ تا ۰,۷۴ برای بعد تمایل به انتقام، از ۰,۶۲ تا ۰,۷۲ برای بعد بخشش بدون قید و شرط و از ۰,۷۶ تا ۰,۷۸ برای بعد بخشش شرطی متغیر بود. ضریب آلفا برای کل مقیاس ۰,۹۳ بود. نتایج همبستگی آیتم و کل در جدول ۵ ارائه شده‌است.

جدول ۵ نتایج همبستگی آیتم-کل و آلفا

زیرمقیاس	مورد	میانگین(M)	انحراف معیار(SD)	همبستگی آیتم و کل
اجتناب	۴	3.31	1.27	.77
	۵	3.59	1.12	.60
	۶	3.18	1.33	.67
	۸	3.36	1.30	.64
	۹	3.14	1.33	.79
	۱۱	2.41	1.32	.67
	۱۲	2.98	1.32	.77
	۱۳	3.24	—	.65
	۱۶	2.59	1.29	.67
	۲۷	2.59	1.42	.71
	۳۰	2.86	—	.78
بخشش بی‌قید و شرط	۲۴	3.42	1.15	.62
	۳۱	3.24	1.21	.72
	۳۳	3.66	1.05	.70
	۳۵	3.30	1.24	.66
	۳۸	3.44	—	.68
	۲	3.44	—	.78
بخشش مشروط	۱۰	3.48	1.25	.76
	۳۷	3.54	—	.76
	۱۴	2.52	—	.64
میل به انتقام	۲۳	2.70	1.39	.66
	۲۸	1.98	1.28	.74
	۳۶	1.96	1.27	.69

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف توسعه و اعتباریابی مقیاس سنجش بخشش زناشویی متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی و بر اساس مدل اجتماعی-روان‌شناختی مک‌کالو و همکاران (۱۹۹۸) انجام شد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که مقیاس توسعه‌یافته روایی و پایایی مطلوبی برای سنجش بخشش زناشویی در جامعه ایرانی دارد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، ساختار چهارعاملی مقیاس شامل «اجتناب»، «تمایل به انتقام»، «بخشش مشروط» و «بخشش بی‌قید و شرط» را تأیید کرد که

در مجموع ۶۱/۸۱ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند. ضرایب آلفای کرونباخ برای ابعاد مختلف بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۳ به‌دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است. اعتبار همگرا و مبتنی بر معیار نیز از طریق همبستگی معنادار با مقیاس بخشش مرتبط با تخلف زناشویی (MOFS) و مقیاس نشخوار ذهنی تأیید شد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مقیاس حاضر ابزاری معتبر و پایا برای سنجش بخشش زناشویی در بافت فرهنگی ایران است و می‌تواند در پژوهش‌های مرتبط با روابط زناشویی و مداخلات درمانی مورد استفاده قرار گیرد.

عامل اول، یعنی اجتناب، در مدل مک‌کالو (۱۹۹۸) به‌عنوان یکی از دو انگیزه منفی بخشش تعریف می‌شود که پس از تخلف، فرد را به دوری فیزیکی، عاطفی و کلامی از همسر سوق می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که گویه‌هایی مانند «من نسبت به همسرم سرد بودم» و «از نظر جسمی از همسرم فاصله گرفتم» بیشترین بار عاملی را در این بعد دارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین که اجتناب را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی واکنش به تخلفات زناشویی معرفی کرده‌اند، همسو است (پالریو و همکاران، ۲۰۰۹؛ مک‌کالو و همکاران، ۱۹۹۸). اما، آنچه در فرهنگ ایرانی برجسته‌تر به نظر می‌رسد این است که اجتناب نه تنها یک پاسخ هیجانی، بلکه یک راهبرد رفتاری عمدی برای نشان دادن نارضایتی و اعمال فشار بر همسر برای جبران، محسوب می‌شود. این یافته با مطالعه کیفی بیک و سیهان (۲۰۲۴) در فرهنگ ترکی و نیز مطالعه ساندیلیا و شاهنواز (۲۰۱۴) در هند همخوانی دارد که نشان دادند در فرهنگ‌های جمع‌گرا، اجتناب به‌عنوان یک ابزار ارتباطی غیرمستقیم برای ابراز نارضایتی و تنظیم روابط استفاده می‌شود. همچنین، همبستگی بالای اجتناب با تمایل به انتقام در این مطالعه (r=۰/۷۴) نشان می‌دهد که در فرهنگ ایرانی، این دو انگیزه منفی به‌شدت در هم تنیده هستند و اغلب به‌صورت همزمان رخ می‌دهند. این یافته با پژوهش کرمانس و همکاران (۲۰۱۱) که نشان دادند در فرهنگ‌های جمع‌گرا، اجتناب و انتقام به‌عنوان یک سندرم رفتاری واحد عمل می‌کنند، همسو است.

عامل دوم، یعنی تمایل به انتقام، در این مقیاس با گویه‌هایی چون «می‌خواستم همسرم را بابت آنچه به من تحمیل کرده، مجازات کنم» و «می‌خواستم ببینم همسرم رنج می‌کشد» عملیاتی شده‌است. بار عاملی بالای این گویه‌ها (۰/۹۴ و ۰/۸۵) نشان‌دهنده قوت این سازه در فرهنگ ایرانی است. این یافته با پژوهش‌های انجام‌شده در سایر فرهنگ‌های جمع‌گرا مانند ترکیه (ارکان، ۲۰۱۵؛ چلیک و همکاران، ۲۰۲۲) و چین (هه و همکاران، ۲۰۱۸) همخوانی دارد که نشان دادند در فرهنگ‌هایی که بر حفظ هماهنگی اجتماعی و عدالت رابطه‌ای تأکید می‌شود، تمایل به انتقام پس از تخلفات زناشویی، به‌ویژه در موارد خیانت، بسیار قوی و قابل سنجش است. اما تمایز این پژوهش در همبستگی بالای انتقام با اجتناب است که نشان می‌دهد در فرهنگ ایرانی، برخلاف برخی مدل‌های غربی که این دو را نسبتاً مستقل در نظر می‌گیرند (مک‌کالو و همکاران، ۱۹۹۸)، اجتناب و انتقام اغلب به‌عنوان واکنش‌های مکمل و هم‌زمان به تخلف ظاهر می‌شوند. این یافته با مطالعه هو و ورثینگتون (۲۰۲۰) همسو است آن‌ها نشان دادند در فرهنگ‌های جمع‌گرا، انگیزه‌های منفی بخشش به دلیل فشار هنجارهای اجتماعی و ترس از قضاوت دیگران، به‌صورت توأمان بروز می‌یابند. همچنین، همبستگی منفی و معنادار تمایل به انتقام با بخشش مشروط (۰/۴۰-) و بخشش بی‌قید و شرط (۰/۴۴-) در این مطالعه، تأییدکننده این است که وجود انگیزه‌های انتقام‌جویانه، فرآیند بخشش را با مانع جدی مواجه می‌سازد.

عامل سوم، بخشش مشروط، به‌عنوان یکی از نوآوری‌های اصلی این پژوهش نسبت به ابزارهای غربی محسوب می‌شود. این بعد به معنای بخششی است که منوط به انجام اقداماتی از سوی همسر خاطی همچون عذرخواهی، ابراز پشیمانی، تلاش برای جبران و اصلاح رفتار است. گویه‌های «همسرم را به خاطر تلاش برای جبران بخشیدم» و «همسرم را بابت اعتراف به اشتباهش بخشیدم» با بار عاملی ۰/۸۷ و ۰/۸۰ این بعد را تشکیل می‌دهند. وجود این بعد در فرهنگ ایرانی کاملاً قابل پیش‌بینی بود و با یافته‌های پژوهش‌های پیشین در ایران و ترکیه هماهنگی کامل دارد. بوگای و مولت (۲۰۱۳) در مطالعه تطبیقی خود نشان دادند که ایرانیان و ترک‌ها نسبت به فرانسوی‌ها، بخشش بی‌قید و شرط را کمتر می‌پذیرند و بر عواملی مانند عذرخواهی، جبران و اصلاح رفتار به‌عنوان پیش‌شرط‌های بخشش تأکید بیشتری دارند. همچنین، بیک و

سیهان (۲۰۲۴) در مطالعه کیفی خود بر روی زوجین ترک، به اهمیت «بخشش مبتنی بر جبران» به‌عنوان یک الگوی رایج در فرهنگ ترکی اشاره کردند. در فرهنگ ایرانی، این یافته با ماهیت جمع‌گرای جامعه و تأکید بر عدالت رابطه‌ای و بازگرداندن تعادل در روابط هماهنگ است. از منظر آموزه‌های اسلامی، این مفهوم با «پذیرش توبه» و «بخشش مشروط به اصلاح» که در آیات قرآن (آل‌عمران، ۱۳۴؛ شوری، ۴۰) به آن اشاره شده‌است، ارتباط نزدیکی دارد. در این نگاه، بخشش به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی، لزوماً به معنای چشم‌پوشی از عدالت نیست، بلکه می‌تواند همراه با شرط جبران و اصلاح باشد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بخشش مشروط، همبستگی مثبت و معناداری با نشخوار ذهنی (r=-۰/۲۵) و همبستگی منفی با اجتناب و انتقام دارد که حاکی از آن است هرچه افراد بیشتر به بخشش مشروط تمایل داشته‌باشند، انگیزه‌های منفی کمتری را تجربه می‌کنند.

عامل چهارم، بخشش بی‌قید و شرط، به معنای بخشش بدون انتظار برای عذرخواهی یا جبران است. گویه‌هایی مانند «همه چیز را پشت سر گذاشتم چون او همسر من بود» و «ترجیح دادم آنچه اتفاق افتاده را بپذیرم و ادامه دهم» این بعد را می‌سنجند. از منظر نظری، این بعد با مفهوم «عفو» در آموزه‌های اسلامی نزدیکی دارد؛ عفو به معنای گذشت بدون انتظار برای جبران که به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی برتر تلقی می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که این بعد با متغیرهایی همچون تحصیلات و باورهای دینی رابطه مثبت دارد ($p < 0.05$) که تأییدکننده این است که بخشش بی‌قید و شرط در ایران بیش از آنکه یک راهبرد رابطه‌ای باشد، یک ارزش اخلاقی‌دینی است. این یافته با پژوهش‌های انجام‌شده در مورد بخشش در فرهنگ‌های جمع‌گرا (هو و ورثینگتون، ۲۰۲۰؛ جو و همکاران، ۲۰۱۹) همخوانی دارد که نشان داده‌اند در این فرهنگ‌ها، بخشش بی‌قید و شرط اغلب به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی و نه یک راهبرد ارتباطی، تأکید می‌شود. همچنین، همبستگی منفی بخشش بی‌قید و شرط با اجتناب (۰/۴۸-) و تمایل به انتقام (۰/۴۴-) در این مطالعه، نشان‌دهنده آن است که هرچه افراد به بخشش بی‌قید و شرط تمایل بیشتری داشته‌باشند، انگیزه‌های منفی کمتری را تجربه می‌کنند. همبستگی مثبت و نسبتاً بالای این بعد با بخشش مشروط (r=۰/۶۸) نشان می‌دهد که این دو نوع بخشش در فرهنگ ایرانی متقابل نیستند و ممکن است افراد بسته به موقعیت، شدت تخلف و ویژگی‌های شخصیتی خود، از هر دو نوع بخشش بهره بگیرند.

یافته‌های این پژوهش، از منظر نظری، نشان می‌دهد که مدل اجتماعی–روان‌شناختی مک‌کالو (۱۹۹۸) با تأکید بر سیستم‌های انگیزشی دوگانه (اجتناب و انتقام در مقابل خیرخواهی)، با فرهنگ ایرانی هماهنگی قابل قبولی دارد. با این حال، اصلاحات زیر برای بومی‌سازی این مدل ضروری بود: اضافه شدن بعد «بخشش مشروط» که منعکس‌کننده تأکید فرهنگ ایرانی بر جبران و اصلاح به‌عنوان پیش‌شرط بخشش است؛ تعدیل گویه‌های اجتناب به‌گونه‌ای که «سکوت و فاصله گرفتن» را به‌عنوان اشکال پذیرفته‌شده اجتماعی ابراز نارضایتی در ایران لحاظ کند؛ و حذف گویه‌هایی که در فرهنگ ایرانی تابوی بیشتری دارند و جایگزینی آنها با تخلفات رایج‌تر در ازدواج ایرانی مانند بی‌احترامی به خانواده همسر یا کوتاهی در وظایف نقشی. همچنین این یافته با پژوهش هو و ورثینگتون (۲۰۲۰) که بر ضرورت بومی‌سازی مدل‌های غربی بخشش برای فرهنگ‌های جمع‌گرا تأکید کرده‌اند، همسو است.

یافته مهم دیگر این پژوهش، هم‌بودی انگیزه‌های مثبت و منفی در فرآیند بخشش بود. ضرایب همبستگی بین ابعاد اجتناب و انتقام با بخشش مشروط و بی‌قید و شرط، منفی و معنادار بود (بین ۰/۴۰- تا ۰/۶۰-)، اما این همبستگی‌ها کامل نبودند (کوواریانس کمتر از ۰/۵۰). این یافته تأیید می‌کند که بخشش و انگیزه‌های منفی می‌توانند همزمان در یک فرد وجود داشته‌باشند و بخشش یک وضعیت دوگانه (بخشیده/نبخشیده) نیست، بلکه یک پیوستار است (مک‌کالو و همکاران، ۱۹۹۸؛ پالریو و همکاران، ۲۰۰۹). در فرهنگ ایرانی، این هم‌بودی بخشش و کینه ممکن است طولانی‌تر از فرهنگ‌های فردگرا باقی بماند، زیرا هنجارهای جمع‌گرا فرد را به حفظ ظاهر رابطه حتی در صورت باقی بودن کینه

ترغیب می‌کنند. این یافته با مطالعات انجام‌شده در فرهنگ‌های مشابه مانند ترکیه (چلیک و همکاران، ۲۰۲۲) و چین (هه و همکاران، ۲۰۱۸) همخوانی دارد.

مقیاس توسعه‌یافته در این پژوهش از نظر پیامدهای بالینی و کاربردهای عملی، می‌تواند در ارزیابی اولیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره استفاده شود تا مشخص گردد که کدام یک از چهار انگیزه اجتناب، انتقام، بخشش مشروط یا بخشش بی‌قید و شرط در هر زوج غالب است. بر اساس نمرات این مقیاس، درمانگر می‌تواند استراتژی مداخله را انتخاب کند؛ بدین معنا که برای زوجینی با نمره بالا در اجتناب و انتقام، ابتدا باید روی کاهش این انگیزه‌ها کار شود، برای زوجینی با نمره بالا در بخشش مشروط، مداخلات می‌توانند بر تقویت عذرخواهی مؤثر و جبران متمرکز گردند. همچنین، در زوج‌درمانی مبتنی بر بخشش مانند مداخلات انرایت (باسکین و انرایت، ۲۰۰۴) یا درمان متمرکز بر هیجان (ولدارسکی و گرینبرگ، ۲۰۱۴)، این مقیاس می‌تواند به‌عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای سنجش تغییرات انگیزشی به کار رود. از منظر پژوهشی، این مقیاس امکان انجام مطالعات فرهنگی‌مقایسه‌ای بین ایران و سایر کشورها را فراهم می‌کند، به‌ویژه در مورد تفاوت نسبت بخشش مشروط به بی‌قید و شرط. افزون بر این، پژوهشگران می‌توانند از این ابزار برای بررسی رابطه بخشش با متغیرهایی چون رضایت زناشویی (چلیک و همکاران، ۲۰۲۲)، طلاق عاطفی، دلبستگی (کارادوغان و تاغای، ۲۰۲۲) و سلامت روان (گوزتپه و کیشلاک، ۲۰۱۹) در ایران بهره گیرند و مدل‌های معادلات ساختاری را برای تبیین روابط علی بین این متغیرها آزمون کنند.

با وجود یافته‌های ارزشمند این پژوهش، چندین محدودیت اساسی وجود دارد که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرند. نخست، استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و داوطلبانه ممکن است منجر به سوگیری نمونه شده‌باشد، زیرا افرادی که تمایل بیشتری به شرکت در پژوهش‌های روان‌شناختی دارند، احتمالاً با کل جامعه تفاوت دارند. به‌ویژه در موضوعی مانند بخشش که بار ارزشی و اخلاقی دارد، ممکن است افرادی که احساسات منفی قوی‌تری را تجربه می‌کنند، تمایل کمتری به شرکت در پژوهش داشته‌باشند و این امر می‌تواند به اریبی در برآورد پارامترهای روان‌سنجی منجر شود. دوم، همه شرکت‌کنندگان ساکن تهران بودند، بنابراین تعمیم یافته‌ها به سایر استان‌ها با فرهنگ‌های متفاوت (مانند کردستان، سیستان و بلوچستان، ترکمن‌صحرا و مناطق عرب‌نشین) نیاز به احتیاط دارد و پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با نمونه‌گیری طبقه‌ای در سطح کشور انجام شوند. سوم، تمامی متغیرها بر اساس گزارش فردی سنجیده شدند و امکان وجود سوگیری یادآوری، مطلوبیت اجتماعی (به‌ویژه در مورد بخشش که یک ارزش اخلاقی محسوب می‌شود) و همسانی روش وجود دارد. به‌عنوان مثال، شرکت‌کنندگان ممکن است به دلیل فشار اجتماعی، نمرات بالاتری در بخشش گزارش کنند و این مسئله می‌تواند روایی همگرا را تحت تأثیر قرار دهد. چهارم، در مطالعه حاضر فقط همسانی درونی (آلفای کرونباخ) گزارش شد و برای بررسی ثبات زمانی مقیاس، نیاز به مطالعه بازآزمایی با فاصله حداقل دو تا چهار هفته وجود دارد تا پایایی زمانی ابزار نیز تأیید شود. پنجم، از شرکت‌کنندگان خواسته شد یک تخلف خاص را به یاد آورند، بنابراین نتایج ممکن است برای تخلفات با شدت‌های مختلف (از تخلفات جزئی روزمره تا خیانت) متفاوت باشد و پژوهش‌های آتی می‌توانند به بررسی نقش تعدیل‌گر شدت تخلف در ساختار عاملی مقیاس بپردازند. ششم، ساختار چهارعاملی به‌دست‌آمده در این پژوهش بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده از زوجین ساکن تهران شکل گرفته است، اما هنجاریابی این ابزار در سایر استان‌ها و با زیرفرهنگ‌های قومی مختلف می‌تواند به شناسایی تنوعات فرهنگی در مفهوم بخشش و کاهش محدودیت تعمیم‌پذیری کمک کند.

چندین پیشنهاد بر اساس یافته‌های پژوهش و محدودیت‌های ذکرشده، برای پژوهش‌های آتی و کاربردهای بالینی مطرح می‌شود. در حوزه روش‌شناختی، انجام مطالعه بازآزمایی با فاصله دو تا چهار هفته برای تأیید پایایی زمانی مقیاس ضروری است. همچنین، هنجاریابی این ابزار در سایر استان‌های ایران با زیرفرهنگ‌های قومی مختلف (کرد، لر، ترکمن، بلوچ، عرب) و مقایسه ساختار عاملی در این گروه‌ها از طریق تحلیل عاملی تأییدی چندگروهی، می‌تواند به تعمیم‌پذیری

بیشتر نتایج کمک کند. در حوزه پژوهش‌های همبستگی، بررسی رابطه نمرات مقیاس با متغیرهای بالینی مانند افسردگی، اضطراب، کیفیت زندگی، طلاق عاطفی و رضایت زناشویی با استفاده از مدل‌های معادلات ساختاری می‌تواند به تبیین روابط علی بین این سازه‌ها کمک کند. به‌ویژه، بررسی نقش تعدیل‌گر باورهای دینی، جنسیت و مدت زمان ازدواج در رابطه بین ابعاد بخشش و پیامدهای زناشویی، از موضوعات مهمی است که می‌تواند به درک عمیق‌تری از فرآیند بخشش در فرهنگ ایرانی منجر شود. در حوزه مداخلات بالینی، طراحی و ارزیابی اثربخشی یک بسته آموزشی- درمانی مبتنی بر مؤلفه‌های این مقیاس با هدف تغییر انگیزه‌های اجتناب و انتقام به سمت بخشش مشروط و بی‌قید و شرط، با استفاده از طرح‌های کارآزمایی بالینی تصادفی‌شده، می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی برای درمانگران خانواده کمک کند. همچنین، مقایسه اثربخشی مداخلات مبتنی بر بخشش (مانند رویکرد انرایت و رویکرد مک‌کالو) در فرهنگ ایرانی با استفاده از این مقیاس به‌عنوان ابزار سنجش، می‌تواند به شناسایی مؤثرترین رویکردهای درمانی برای زوجین ایرانی منجر شود. در نهایت، پژوهش‌های بین‌فرهنگی با استفاده از این مقیاس می‌تواند به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی در مفهوم و فرآیند بخشش زناشویی کمک کند.

سپاسگزاری

از تمامی شرکت‌کنندگان محترم که با صرف وقت خود ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند، کمال تشکر را داریم. همچنین از اساتید و متخصصان ارجمندی که در مراحل مختلف پژوهش، به‌ویژه در اعتباریابی محتوایی و روان‌سنجی، با نظرات ارزشمند خود ما را همراهی نمودند، صمیمانه سپاسگزاریم.

منابع

Amiri F., Moslemifar, M., Showani, E. & Panahi A. (2020). Effectiveness of forgiveness therapy in treatment of symptoms of depression, anxiety, and anger among female students with love trauma syndrome. *Journal of Advanced Pharmacy Education and Research,* 10 (S1): 98-105.

Aşçıoğlu Önal, A. & Yalçın, İ. (2017). Forgiveness of Others and Self Forgiveness: The predictive role of cognitive distortions, empathy, and rumination. *Eurasian Journal of Educational Research*. 17. 99122. http://doi.org/10.14689/ejer.2017.68.6.

Asil, M. R., Abadi, A. S., Ganji, S. I., & Barainian, A. (2014). The effectiveness of forgiveness-based consultancy on marital conflicts of women with severe conflicts referring to court in Koohdasht Town. *Bulletin of Environment, Pharmacology and Life Sciences*, *3*(4), 13–19.

Atçeken, M. (2014). *Dindarlık, evlilik doyumu ve kişilik özelliklerinin bağışlama ile ilişkisi*.[Relation of religiousness, marriage satisfaction and personal characteristics with forgiveness][Unpublished master's thesis, Haliç University-İstanbul]. Turkish National Thesis Center

Baskin, T. W., & Enright, R. D. (2004). Intervention Studies on Forgiveness: A Meta-Analysis. *Journal of Counseling & Development, 82*(1), 79–90. https://doi.org/10.1002/j.1556-6678.2004.tb00288.x

Bıyık Sarı, F., & Cıhan, H. (2024). Marital Forgiveness Among Turkish Married Individuals: A Qualitative

Study. *Marriage & Family Review*, *60*(6), 343–369. https://doi.org/10.1080/01494929.2024.2360104 Bugay A. (2014). Measuring the differences in pairs' marital forgiveness scores: construct validity and links with relationship satisfaction. *Psychological reports*, *114*(2), 479–490. https://doi.org/10.2466/21.02.PR0.114k18w5

Bugay, A. & Demir, A. (2010). A Turkish version of Heartland Forgiveness Scale. *Procedia Social and Behavioral Sciences, 5*, 1927–1931. http://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.07.390

Bugay, A., & Mullet, E. (2013). Conceptualizing forgiveness, granting forgiveness, and seeking forgiveness:

A Turkish-French Comparison. *Review of European Studies, 5*(5), 187-196. https://doi.org/10.5539/res.v5n5p187

Cornish, M. A., Guyll, M., Wade, N. G., Lannin, D. G., Madon, S., & Chason, K. C.(2018). Does Empathy Promotion Necessarily Lead to Greater Forgiveness? *An Experimental Examination. Current Psychology.* http:://doi.org/10.1007/s12144-018-9816-8

Çelik,E., Çelik, B., Yavaş, Ş., & Süler, M. (2022). Investigation of marital satisfaction in terms of proactive personality, meaning in life, offense-specific forgiveness. *International Journal of Psychology and Educational Studies, 9*(1), 1-11. https://doi.org/10.52380/ijpes.2022.9.1.348

DeVellis, R. F. (2012). Scale development. Theory and applications (3rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.

Donovan, L. A. N., & Priester, J. R. (2020). Exploring the Psychological Processes That Underlie Interpersonal Forgiveness: Replication and Extension of the Model of Motivated Interpersonal Forgiveness. *Frontiers in Psychology*, 11. http://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.02107

Durmuş, E. & Manap, A. (2018). Marital forgiveness scale-event: the validity and reliability of the Turkish version. *Abant İzzet Baysal University Journal of Educational Faculty*, 18(4), 2033-2049. http://doi.org/10.17240/aibuefd.2018.18.41844-504877

Enright, R. D., & Human Development Study Group. (1996). Counseling within the forgiveness triad: On forgiving, receiving, forgiveness, and self-forgiveness. *Counseling and Values, 40*(2), 107126. https://doi.org/10.1002/j.2161-007X.1996.tb00844.x

Erdur-Baker, Ö. & Bugay, A. (2010). The short version of ruminative response scale: reliability, validity and its relation to psychological symptoms. *Procedia Social and Behavioral Sciences, 5*, 2178–2181. http://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.07.433

Erkan, Z. (2015). Adaptation of the Marital Offence-Specific Forgiveness Scale for use in a Turkish cultural context. *Social Behavior and Personality: An International Journal, 43*(7), 1057– 1070. https://doi.org/10.2224/sbp.2015.43.7.1057

Fehr, R., Gelfand, M. J., & Nag, M. (2010). The road to forgiveness: A meta-analytic synthesis of its situational and dispositional correlates. *Psychological Bulletin*, 136(5), 894–914. http://doi.org/10.1037/a0019993

Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (2002). Forgiveness in marriage: Implications for psychological aggression and constructive communication. *Personal Relationships, 9*(3), 239–
251. https://doi.org/10.1111/1475-6811.00016

Fincham, F. D., Beach, S. R. H., & Davila, J. (2004). Forgiveness and Conflict Resolution in Marriage. *Journal of Family Psychology, 18*(1), 72–81. https://doi.org/10.1037/0893-3200.18.1.72

Fincham, F. D., Hall, J., & Beach, S. R. H. (2006). Forgiveness in Marriage: Current Status and Future Directions. *Family Relations: An Interdisciplinary Journal of Applied Family Studies, 55*(4), 415– 427. https://doi.org/10.1111/j.1741-3729.2005.callf.x-i1

Fincham, F. D., Paleari, F. G., & Regalia, C. (2002). Forgiveness in marriage: The role of relationship quality, attributions, and empathy. *Personal Relationships, 9*(1), 27–37. https://doi.org/10.1111/14756811.00002

Fincham, F.D. (2000). The kiss of the porcupines: From attributing responsibility to forgiving. *Personal Relationships*, 7: 1–23. https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2000.tb00001.x

Fornell, C., & Larcker, D.F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research, 18*, 39-50. https://doi.org/10.2307/3151312

Gordon, K. C., Hughes, F. M., Tomcik, N. D., Dixon, L. J., & Litzinger, S. C. (2009). Widening spheres of impact: The role of forgiveness in marital and family functioning. *Journal of Family Psychology, 23*(1), 1–13. https://doi.org/10.1037/a0014354

Gordon, K.C.,& Baucom, D.H. (2003). Forgiveness and marriage: Preliminary support for a measure based on a model of recovery from a marital betrayal. *The American Journal of Family Therapy*, *31*, 179–199. http://doi.org/10.1080/01926180390167188.

Gottman, J. M. (1993). The roles of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: A longitudinal view of five types of couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 61*(1), 6– 15. https://doi.org/10.1037/0022-006X.61.1.6

Gottman, J. M. (2011). *The science of trust: Emotional attunement for couples.* W W Norton & Co.

Goztepe G. I. & Kislak S. (2019). The predictive role of forgiveness and the level of repetitive thinking on mental health and marital adjustment in married individuals. *Dusunen Adam-The Journal of Psychiatry and Neurological Sciences*, 32, 236-245. https://doi.org/10.14744/dajpns.2019.00033

Harper, Q., Worthington, E. L., Jr, Griffin, B. J., Lavelock, C. R., Hook, J. N., Vrana, S. R., & Greer, C. L. (2014). Efficacy of a workbook to promote forgiveness: a randomized controlled trial with university students. *Journal of Clinical Psychology*, *70*(12), 1158–1169. https://doi.org/10.1002/jclp.22079

He, Q., Zhong, M., Tong, W., Lan, J., Li, X., Ju, X., & Fang, X. (2018). Forgiveness, marital quality, and marital stability in the early years of Chinese marriage: An actor–partner interdependence mediation model. *Frontiers in Psychology, 9*. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.01520

Ho, M., & Fung, H. (2011). A dynamic process model of forgiveness: A cross-cultural perspective. *Review of General Psychology*, *15*(1), s. 77-84. https://doi.org/10.1037/a0022605

Ho, M. Y., & Worthington, E. L., Jr. (2020). Is the concept of forgiveness universal? A cross-cultural perspective comparing Western and Eastern cultures. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues, 39*(5), 1749–1756. https://doi.org/10.1007/s12144018-9875-x

Hook, J., Worthington, E., & Utsey, S. (2009). Collectivism, forgiveness, and social harmony. *Counseling Psychologist*, *37*(6), 821–847. https://doi.org/10.1177/0011000008326546

Hu, L., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. Structural Equation Modeling: A Multidisciplinary Journal, 6(1), 1– 55. http://doi.org/10.1080/10705519909540118

Joo, M., Terzino, K. A., Cross, S. E., Yamaguchi, N., & Ohbuchi, K. (2019). How Does Culture Shape

Conceptions of Forgiveness? Evidence From Japan and the United States. Journal of Cross-Cultural Psychology, 50(5), 676–702. https://doi.org/10.1177/0022022119845502

Karadoğan, F.M. & Tagay, O., (2022). Predictive Role of Attachment Styles and Emotion Regulation on

Forgiveness in Married People. Psikiyatride Guncel Yaklasimlar - Current Approaches in Psychiatry 14, 128–136. https://doi.org/10.18863/pgy.1117537

Karremans, J. C., & Smith, P. K. (2010). Having the Power to Forgive: When the Experience of Power Increases Interpersonal Forgiveness. *Personality and Social Psychology Bulletin, 36(8), 10101023.* http://doi.org/10.1177/0146167210376761

Karremans, J. C., Regalia, C., Paleari, F. G., Fincham, F. D., Cui, M., Takada, N., Ohbuchi, K.I., Terzino, K., Cross, S. E., & Uskul, A. K. (2011). Maintaining Harmony Across the Globe: The Cross-Cultural Association Between Closeness and Interpersonal Forgiveness. *Social Psychological and Personality Science, 2*(5), 443–451.https://doi.org/10.1177/1948550610396957

Kline, R. B. (2016). *Methodology in the social sciences. Principles and practice of structural equation modeling* (4th ed.). Guilford Press.

Leggett, D. G., Roberts-Pittman, B., Byczek, S., & Morse, D. T. (2012). Cooperation, conflict, and marital satisfaction: Bridging theory, research, and practice. *The Journal of Individual Psychology, 68*(2), 182–199.

McCullough, M. E. (2000). Forgiveness as human strength: Theory, measurement, and links to wellbeing. *Journal of Social and Clinical Psychology, 19*(1), 43–

55. https://doi.org/10.1521/jscp.2000.19.1.43

McCullough, M. E., Bellah, C. G., Kilpatrick, S. D., & Johnson, J. L. (2001). Vengefulness: Relationships with forgiveness, rumination, well-being, and the Big Five. Personality and Social Psychology Bulletin, 27(5), 601–610. http://doi.org/10.1177/0146167201275008

McCullough, M. E., Bono, G., & Root, L. M. (2007). *Rumination, emotion, and forgiveness: Three longitudinal studies. Journal of Personality and Social Psychology, 92(3), 490–*

505. http://doi.org/10.1037/0022-3514.92.3.490

McCullough, M. E., Rachal, K. C., Sandage, S. J., Worthington, E. L., Jr., Brown, S. W., & Hight, T. L. (1998).

Interpersonal forgiving in close relationships: II. Theoretical elaboration and measurement. *Journal of Personality and Social Psychology, 75*(6), 1586–1603. https://doi.org/10.1037/0022-3514.75.6.1586

Novak, J. R., Smith, H. M., Larson, J. H., & Crane, D. R. (2017). Commitment, Forgiveness, and Relationship Self-Regulation: An Actor Partner Interdependence Model of Relationship Virtues and Relationship

Effort in Couple Relationships. *Journal of Marital and Family Therapy, 44(2), 353– 365.* doi:10.1111/jmft.12258

Orbon, M, Mercado J, & Balila J (2015). Effects of forgiveness therapy on recovery among residents of drug rehabilitation centers. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 165:12-20. https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.12.599

Osei-Tutu, A., Dzokoto, V.A., Oti-Boadi, M., Belgrave, F.Z., & Appiah-Danquah, R. (2018). Explorations of

Forgiveness in Ghanaian Marriages. *Psychological Studies, 64*, 70-82. https://doi.org/10.1007/s12646-018-0471-9

Ozgun, S. (2010). *The predictors of the traumatic effect of extramarital infidelity on married women: Coping strategies, resources, and forgiveness*. [Unpublished Master Thesis, Middle East Technical University-Ankara]. Turkish National Thesis Center

Özgür, H., & Eldeklioğlu, J. (2017). REACH affetme modelinin Türk kültürü üzerinde etkililiğinin incelenmesi [Analyzing the effect of REACH Forgiveness Model on the Turkish culture]. *The Journal of Happiness & Well-Being, 5*(1), 98-112.

Paleari, F. G., Regalia, C., & Fincham, F. (2005). Marital Quality, Forgiveness, Empathy, and Rumination: A Longitudinal Analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(3), 368–378. http://doi.org/10.1177/0146167204271597

Paleari, F. G., Regalia, C., & Fincham, F. D. (2009). Measuring offence-specific forgiveness in marriage: The Marital Offence-Specific Forgiveness Scale (MOFS). *Psychological Assessment, 21*(2), 194– 209. https://doi.org/10.1037/a0016068

Sandage, S. J., & Williamson, I. (2005). Forgiveness in cultural context. In E. L. Worthington, Jr. (Ed.), *Handbook of Forgiveness* (pp. 41-55). New York: Brunner Routledge.

Sandage, S. J., Crabtree, S. A., & Bell, C. A. (2020). Forgiveness and culture: Conceptual issues. In E. L. Worthington, Jr., & N.Wade (Eds.),Handbook of forgiveness(2nd ed., pp. 201–211). Routledge.

Sandilya, G. & Shahnawaz, G. (2014). Willingness to Forgive the Spouse: A Qualitative Study. *Psychological Studies, 59*, 413-418. https://doi.org/ 10.1007/s12646-014-0277-3.

Tabachnick, B.G., & Fidell, L.S. (2013). Using Multivariate Statistics. 6th ed. New Jersey: Pearson Education Inc.

Taysi, E., Vural, D. Forgiveness Education for Fourth Grade Students in Turkey. *Child Indicators Research,* 9, 1095–1115 (2016). https://doi.org/10.1007/s12187-015-9364-9

Woldarsky Meneses, C., & Greenberg, L. S. (2012). Interpersonal forgiveness in Emotion-focused Couples' Therapy: Relating process to outcome. *Journal of Marital and Family Therapy, 40(1), 49–*

67. http://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2012.00330.x

Worthington, E. L., Jr., Mazzeo, S. E., & Canter, D. E. (2005). Forgiveness-promoting approach: Helping clients REACH forgiveness through using a longer model that teaches reconciliation. In L. Sperry & E. P. Shafranske (Eds.), *Spiritually oriented psychotherapy* (pp. 235–257). American Psychological Association. https://doi.org/10.1037/10886-010

Worthington, R. L., & Whittaker, T. A. (2006). Scale Development Research: A Content Analysis and Recommendations for Best Practices. *The Counseling Psychologist, 34*(6), 806–

838. https://doi.org/10.1177/0011000006288127

Yaman Akpınar, T. & Altunsu Sönmez, Ö. (2021). Relationship between marital offense-specific forgiveness and marital adjustment. *Journal of Social Science of Mus Alparslan University*, 9, 203-210.

http://doi.org/ 10.18506/anemon.772923

Zhou, Y. (2019). A mixed methods model of scale development and validation analysis. *Measurement:*

Interdisciplinary Research and Perspectives, 17(1), 38–

47. https://doi.org/10.1080/15366367.2018.1479088